

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

[۵۶۵ شماره]

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۷۲۱ - ۵۷۲۱ - ۰۶۵ - ۰۶۵

خاقانی شروانی

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

شماره ۵۶۵ - ۵۶۵ - ۰۶۵ - ۰۶۵

ارمغان صبح

گزیده قصاید خاقانی شروانی

ویرایش جدید

گزینش و گزارش به کوشش:

دکتر نصرالله امامی

استاد دانشگاه

ISBN 978-964-5250-81-1

۵۹ شرح قصاید
۶۲ زلفه و مآخذ

- ۶۲ پیشگفتار
- ۶۵ پیشگفتار و ویرایش دوم
- ۶۷ نگاه به زندگی و شعر خاقانی
- ۷۰ خاقانی - دستگاه شروانی
- ۷۳ سفرهای خاقانی
- ۷۵ پایان زندگی و مرگ
- ۷۷ جهان بینی و بدینی
- ۸۷ مذهب و گرایش های صوفیانه
- ۹۰ سبک شعر خاقانی
- ۹۲ تصویرهای شعری
- ۹۶ مضامین شعری
- ۹۹ خاقانی و سرایندگان دیگر
- ۱۰۱ شاعران معاصر خاقانی
- ۱۰۴ دشواری های شعر خاقانی
- ۱۰۷ ممدوحان خاقانی
- ۱۱۱ آثار خاقانی
- ۱۱۴ قصاید و نمونه های برگزیده
- ۱۲۱ صبح و صبحی (۱)
- ۱۲۳ رخسار صبح (۲)
- ۱۲۵ منطق الطیر (۳)
- ۱۲۷ پیشاهنگ بهار (۴)
- ۱۲۸ در شکایت از بخت (۵)
- ۱۳۰ در اشتیاق خراسان (۶)
- ۱۳۳ حکایت نان (۷)

فهرست مطالب

| | | | |
|-----|--------------------------------------|----|-----------------------------|
| ۶۴ | در ماتم وفا و سخا (۸) | ۳ | پیشگفتار |
| ۶۵ | آب و هوای ری (۹) | ۴ | پیشگفتار و ویرایش دوم |
| ۶۷ | آه دو دآسا (۱۰) | | |
| ۷۰ | در مرگ استاد (۱۱) | ۵ | نگاهی به زندگی و شعر خاقانی |
| ۷۳ | دوست و دشمن (۱۲) | ۸ | - خاقانی و دستگاه شروانشاه |
| ۷۵ | در پاسخ به نامه رشیدالدین وطواط (۱۳) | ۹ | - سفرهای خاقانی |
| ۷۹ | قصیده ترسائیه (۱۴) | ۱۱ | - پایان زندگی و مرگ |
| ۸۷ | من و ماجرای حاسدان (۱۵) | ۱۲ | - جهانبینی و بدبینی |
| ۹۰ | شاه و شاعر (۱۶) | ۱۴ | - مذهب و گرایش‌های صوفیانه |
| ۹۲ | در فتنه غزان (۱۷) | ۱۸ | - سبک شعر خاقانی |
| ۹۶ | آینه عبرت (۱۸) | ۱۹ | - تصویرهای شعری |
| ۹۹ | یاد بغداد (۱۹) | ۲۲ | - مضامین شعری |
| ۱۰۱ | در مدح اصفهان (۲۰) | ۲۵ | - خاقانی و سرایندگان دیگر |
| ۱۰۴ | در عزلت و عالم فقر (۲۱) | ۲۶ | - شاعران معاصر خاقانی |
| ۱۰۷ | روی در کعبه (۲۲) | ۲۸ | - دشواری‌های شعر خاقانی |
| ۱۱۱ | بیمار جوان (۲۳) | ۳۰ | - ممدوحان خاقانی |
| ۱۱۴ | مرگ فرزند (۲۴) | ۳۱ | - آثار خاقانی |
| ۱۲۱ | در مرگ سخندان میهن (۲۵) | | |
| ۱۲۳ | مرگ همسر (۲۶) | ۳۷ | قصاید و نمونه‌های برگزیده |
| ۱۲۵ | مرثیه‌ای دیگر در مرگ همسر (۲۷) | ۳۸ | صبح و صبحی (۱) |
| ۱۲۷ | یار و آینه (۲۸) | ۴۰ | رخسار صبح (۲) |
| ۱۲۸ | چند غزل (۲۹) | ۴۴ | منطق الطیر (۳) |
| ۱۳۰ | چند رباعی (۳۰) | ۵۰ | پیشاهنگ بهار (۴) |
| | | ۵۳ | در شکایت از بخت (۵) |
| ۱۳۳ | شرح قصاید | ۵۹ | در اشتیاق خراسان (۶) |
| ۲۵۶ | منابع و مأخذ | ۶۲ | حکایت نان (۷) |

بیشتر نواحی شروان و ازان از جمله زبان‌های رایج و قابل فهم بود و همین نکته سبب شد تا شاعران متعددی در منطقه شروان ظهور کنند که از جمله آنها خاقانی، فلکی شروانی، صابر شروانی و بهار شروانی مشهورترند.

پیوند شروان با تاریخ و فرهنگ ایران، سابقه‌ای کهن داشته است. بنابر آنچه در بعضی از منابع آمده و در روزگار خاقانی هم سخت مشهور بوده است، بنای شهر شروان را به انوشیروان ساسانی نسبت می‌دادند^۵، و آنگونه که از قصاید ستایشی خاقانی دانسته می‌شود، شروانشاهان از انتساب خود و ولایتشان به پیشینه کهن تاریخی و فرهنگی ایران خشنود بوده‌اند و حتی بسیاری از ایشان، نام‌های کهن و اساطیری ایرانی نظیر منوچهر، فریدون، فرامرز، فرخزاد و فریبرز و امثال آن را بر خود داشته‌اند.

نگاهی به زندگی و شعر خاقانی

نام و نسب

نام خاقانی با همه احتمالات گوناگونی^۱ که در بعضی از منابع و تذکرها آمده است، بی تردید، «بدیل» است و برخی از سروده‌های شاعر، هر گونه تردیدی را در این مورد، منتفی می‌کند^۲. پدر او «علی»، مشهور به «علی نجار شروانی» بود، و باز در این مورد هم اشاراتی در دیوان شاعر دیده می‌شود. مادر خاقانی کنیزک نستوری مسلمان شده‌ای بود^۳ که در نوجوانی به عقد نجار شروانی درآمد بود، اما به نظر می‌رسد که با همه مسلمان شدنش، خاطراتی از روزگار کودکی خویش، و کیش مسیحیت را همچنان حفظ کرده بود، و این موضوع در کنجکاوای خاقانی نسبت به آیین مسیحیت بی تأثیر نبود^۴.

خاقانی به سال ۵۲۰ ه.ق. در شروان زاده شد. شروان در ولایت «ازان» بود؛ ولایتی در جنوب شرقی قفقاز و در حوزه علیای رود ارس و رود کورا. مرکز این ولایت شهر «شماخی» بود که پیشترها «شماخیه» می‌گفتند. پادشاه منطقه شروان را «شروانشاه» می‌خواندند. در این منطقه اقلیت قابل توجهی از مسیحیان زندگی می‌کردند؛ چنان که حتی در یکی از شهرهای مشهور این ولایت یعنی «شابران»، تعداد مسیحیان، اکثریت مردم را تشکیل می‌داد.

ولایت شروان از برکت رودخانه «کورا» که از کوه‌های «قالیقل» سرچشمه می‌گرفت و به خزر می‌ریخت، از فراخی نعمتی برخوردار بود. این رودخانه، آبی خوش و گوارا داشت، و رونق و نعمت نواحی دیگر این خطه نظیر «گنجه» نیز مدیون همین رودخانه بود. این منطقه به جهت شرایط جغرافیایی خاصی که داشت، محل تلاقی چند فرهنگ و زبان و مذهب بود و تعداد زبان‌ها و ادیان ساکنانش مورد توجه مورخان اسلامی و جغرافیایانویسان سده‌های میانه بوده است. بعضی از مورخان تعداد زبان‌های رایج در گستره بزرگتر آن ناحیه یعنی ارمنستان، ازان و قفقاز را نزدیک به هفتاد و دو زبان رایج نوشته‌اند.

زبان ترکی از دیرباز در منطقه شروان رایج بود و سیطره حکومت‌های ترک زبانی نظیر غزنویان و سلجوقیان در گسترش آن، تأثیر غیرقابل انکاری داشت، اما با این حال، زبان فارسی در

بالندگی و تربیت

از اشعار خاقانی دریافته می‌شود که پدرش خواستار پرداختن فرزند به حرفه درودگری یا نجاری بود و بر این نکته اصرار داشت؛ ولی عمّ شاعر یعنی کافی الدین عمر بن عثمان، با درک استعداد او به تربیت وی همت گماشت^۶.

کافی الدین طیب و فیلسوف بود و از ریاضیات و سایر دانش‌ها، آگاهی بسیار داشت و از این رو شخصیت علمی و تعلیمی او بر سخن‌سرای شروان تأثیری عظیم گذاشت، و شاعر نیز در جای جای دیوان و از جمله در تحفة‌العراقین از او با نیکی و سپاس یاد می‌کند^۷. گفتنی است که القابی چون حسان‌العجم و افضل الدین نیز که خاقانی بدان‌ها مشهور شده، بر نهاده کافی الدین بوده است^۸. کافی الدین بعدها در بیست و پنج سالگی شاعر درگذشت و خاقانی مرثی سوزناکی در مرگ او سرود^۹.

خاقانی در ابتدای کار شاعری، «حقایقی» تخلص می‌کرد. این تخلص بی تأثیر از توجه او به سنائی غزنوی و کتاب حدیقة‌الحقیقه نبود^{۱۰}؛ بویژه که «حقایق» و «تحقیق» اصطلاحی بود که برای مضامین زهد و معرفت به کار برده می‌شد، و خاقانی هم به چنین مضامینی گرایش داشت. تخلص حقایقی، پس از وارد شدن شاعر به دستگاه خاقان اکبر منوچهر شروانشاه که با پایمردی ابوالعلائی گنجوی صورت گرفت، به خاقانی تغییر یافت؛ ولی منابع متأخر تخلص «خاقانی حقایقی» و یا «حقایقی خاقانی» را نیز برای او ثبت کردند و نگاه داشتند.

توفیق خاقانی در شاعری، خصوصاً در آغاز کار، مدیون ابوالعلائی گنجوی بود که بعدها دختر خود را نیز به شاعر داد؛ اما به عللی ناشناخته و شاید به سبب رقابت‌ها و منافست‌های متداول در میان شاعران و ادیبان و اهل فضل، شاگرد و استاد رودرروی هم ایستادند. ابوالعلاکه حق استادی